

اقدامات تحولی در زندان زنان تهران

ششم فروردین ماه امسال بود که رئیس قوه قضائیه، سند جدید تحول و تعالی قوه قضائیه را ابلاغ کرد. وضعیت زندان‌ها و بازندهای دوره‌ای از آنها با هدف «رسیدگی به امور زندانیان»، یکی از مواد این سند بود و حالا در راستای تحقق سند تحول و تعالی دستگاه قضا و نیل به اهداف و مأموریت‌های سازمانی طی سال‌های اخیر اقدامات گسترده‌ای در سه حوزه مراقبتی، تربیتی و حمایتی در سطح زندان‌های استان تهران به‌ویژه در زندان زنان انجام گرفته است که به‌صورت خلاصه و برای تصحیح در مواردی از گزارش «حسین کودکی» صفحه ۱۲ روز دوازدهم آبان‌ماه روزنامه «هم‌میهن»، جهت تنویر افکار عمومی به آن می‌پردازیم. اصولاً در زندان‌ها بدون توجه به نوع جرم و میزان مجازات‌افراد، زندانیان شهروندانی هستند که بایستی با استفاده و بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود و همکاری و همراهی دیگر دستگاه‌ها نسبت به تأمین نیازمندی‌ها و رعایت حقوق شهروندی آنان تلاش کرد. در همین رابطه نسبت به بازسازی، زیباسازی و تجهیز اماکن مختلف زندان زنان و ایجاد فضاهای مناسب در بخش‌هایی مانند خوابگاه‌ها، کارگاه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال، سالن‌های ملاقات، آشپزخانه، سالن ورزشی، سالن اجتماعات، مهدکودک و... نیز ارائه خدمات مددکاری، روان‌شناسی، بهداشت و درمان اقدام شده است. از طرفی تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان براساس نوع جرم، تعدد سابقه و سن جزء اولویت‌هاست که در همین رابطه، برابر ماده ۱۵۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها با هدف رعایت تفکیک و طبقه‌بندی، مادران زندانی می‌توانند فرزند شیرخوار خود را تا سن دوسالگی در مؤسسه نگهداری کنند، افزایش مدت مذکور تا سقف ۶ سال با نظر شورای طبقه‌بندی امکان‌پذیر است. برای رفاه حال زندانیان و جلوگیری از تراکم جمعیت کیفری و اختلاف در تربیت اطفال همراه مادران، یکی از اندرگاه‌ها به‌عنوان اندرگاه مادر و کودک تعیین و ممدجویان به همراه فرزندان‌شان در این محل که به تعداد کافی دارای تخت، وسایل بازی و فضای خوابگاهی اعم از کربدور و هواخوری می‌باشد، اسکان دارند. در خصوص مهدکودک، پیگیری‌های زیادی برای اخذ مجوز از مراجع ذی‌ربط انجام شده ولیکن تاکنون بی‌نتیجه مانده است. با تعیین کارشناس روان‌شناسی و مربی مهد واجدالشرایط علاوه بر برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه مادران و کودکان در داخل اندرگاه مهدکودک با نظارت کامل به همراه روان‌شناس، ساعتی از روز پذیرای کودکان و اطفال همراه مادران است. ضمن اینکه برنامه غذایی مادران و کودکان همراه با نظارت کارشناس تغذیه، جدای از برنامه غذایی دیگر زندانیان بوده و علاوه بر آن، شیر خشک و غذاهای متنوع کودک به تناسب نیاز تهیه، طبخ و توزیع می‌شود. برای ارتقای سطح بهداشت و سلامت فردی زندانیان به تمام آنان بسته‌های بهداشتی و نیازمندی‌های این بخش بدون محدودیت داده می‌شود و برخی از اقلام بهداشتی در دسترس زندانیان قرار دارد. در سال‌های اخیر و با هدف تأمین آب آشامیدنی بهداشتی دستگاه‌ها و آب شیرین در اندرگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضمن اینکه فروشگاه‌های داخل زندان، اقلام و نیازمندی‌های زندانیان را به آسان ارائه می‌دهد. توجه به سلامت جسم و روح همه زندانیان به‌ویژه زنان از دیگر اولویت‌های سازمانی است که خوشبختانه علاوه بر فعال بودن تمام‌وقت واحد بهداشتی و حضور پزشک عمومی و پرستار تمام ساعات شبانه‌روز، تعداد ۷ پزشک متخصص زنان، جراح عمومی، راولینزسک، عفونی، اطفال داخلی و دندانپزشکی براساس برنامه در طول هفته به زندان مراجعه و اقدامات درمانی را انجام می‌دهند، علاوه بر این براساس تفاهم‌نامه و در صورت نیاز، با بیمارستان‌ها و مراکز درمان خارج از زندان به‌بیماران اعزامی خدمات‌دهی می‌شود. برای پر کردن اوقات فراغت زندانیان با هدف بازسازی شخصیت، بازپروری و بااجتماعی کردن آنان و نیز کسب درآمد، اشتغال در سه بخش نشسته داخل اندرگاه، کارگاه‌های داخل زندان و اعزام به کار خارج از زندان برای علاقه‌مندان و واجدین شرایط فعال است که خوشبختانه مورد استقبال زندانیان قرار گرفته است. ضمناً براساس آیین‌نامه و مقررات زندان‌ها و هماهنگی مناسب مراجع قضایی، تعداد قابل توجهی از زندانیان واجدالشرایط در زندان باز مشغول به کارند و شب‌ها در کنار خانواده خود هستند. فعالیت‌های آموزشی از نهضت سوادآموزی تا تحصیلات دانشگاهی، قرآنی، احکام و مسائلی عقیدتی، مهارت‌های اساسی زندگی، نمازهای جماعت، پخش فیلم، اجرای نمایش و سرود، برگزاری جشن‌ها، مسابقات ورزشی و... از دیگر برنامه‌های روزانه زندانیان است. استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی و تشکیل منظم شورای طبقه‌بندی با هدف اعطای نهادهای ارفاقی همچون مرخصی، تعلیل و تخفیف مجازات، عفو، آزادی مشروط، اعزام به کار و نیز جلب مشارکت‌های مردمی و کمک خیرین و تشکیل کمیته‌های صلح و سازش و شورای حل اختلاف با هدف اخذ رضایت از شکات از دیگر برنامه‌های زندان زنان است. توجه ویژه مسئولان ارشد قوه قضائیه برای تعیین تکلیف متهمان و تسریع در اعطای نهادهای ارفاقی به عموم زندانیان خصوصاً زنان تا جایی است که علاوه بر استقرار قاضی ناظر به‌صورت دوره‌ای رئیس کل دادگستری و معاونان، دادستان، دیگر مراجع قضایی و حتی رئیس محترم قوه قضائیه از زندان بازدید و در دیدارهای چهره‌به‌چهره با زندانیان به تقاضاهای آنان رسیدگی می‌کنند.

گزارشی از واکنش‌ها به توقف مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها دوگانه خاموشی و زندگی

عکس: بهر

الناز محمدی و سارا سبزی
گروه جامعه

تصمیم هیئت دولت برای توقف مازوت‌سوزی در نیروگاه‌هایی که در مراکز جمعیتی شجاعانه است یا عوام‌فریبانه؟ برای کاهش آلودگی

هواست یا به دلیل خالی بودن ظرفیت سوخت مایع نیروگاه‌ها؟ خاموشی منظم یا آلودگی هوا؟ این دوگانه‌ها از اواخر هفته پیش و زمان اعلام رسمی توقف مازوت‌سوزی در نیروگاه‌هایی که در مراکز جمعیتی قرار دارند به میان آمده و حالا هنوز معلوم نیست که روند تازه دولت برای توقف مازوت‌سوزی چقدر پایدار خواهد ماند؟

«سرطان در روستا زیاد است، سرطان خون داریم، سقط جنین خیلی داریم، آسم و بیماری‌های عصبی هم بین مردم زیاد است، یک نوع سردردی در روستا شایع است که همه مردم دارند. برای همین خیلی مُسکس می‌خورند. نه این که آمار نداشته باشیم اما گفتند محرمانه است، نباید بگویید. فقط آلودگی هوا که نیست. آلودگی آب هم داریم؛ البته نه آب شرب ما آب کشاورزی ما آلوده است. پساب‌های پتروشیمی دقیقاً وارد زمین‌های کشاورزی کزاز می‌شود. به خاطر همین هم هست که روستا دیگر خاک خوب ندارد.» اینها را سال ۱۳۹۲ بود که «علیرضا قربانی»، مسئول دفتر بهداشت و عضو شورای روستای کزاز در ۲۰ کیلومتری جاده اراک به شازند، در همسایگی «پالایشگاه نفت»، «نیروگاه حرارتی» و «پتروشیمی شازند» به روزنامه «شهرپند» گفت. همان زمان رئیس اداره محیط‌زیست استان مرکزی گفته بود، یکی از اقداماتی که برای کاهش آلودگی هوا ناشی از صنایع آلاینده مستقر در همسایگی کزاز و روستاهایش انجام شده، تأمین گاز برای نیروگاه حرارتی شازند بوده تا این نیروگاه استفاده از مازوت را تعطیل کند. دو سال قبل از آن و سال ۱۳۹۱ بود که محمدحسین آصفری، نماینده مردم اراک گفت، ۳۰۰ نفر به‌دلیل وجود نیروگاه شازند در این استان مبتلا به سرطان شده‌اند؛ «به‌دلیل وجود نیروگاه، شهر اراک از ۳۶۵ روز سال ۲۵۰ روز آلودگی می‌گذراند و هیچ تعهدی هم برای رفع آلودگی در این شهر وجود ندارد. ۳۰۰ نفر به‌دلیل گرفتار شدن به بیماری سرطان در نوبت بیمارستان هستند و دلیل عمده این بیماری وجود نیروگاه و آلودگی ناشی از آن است.» مازوت‌سوزی از همان سال‌ها اما بارها تکذیب شد و متوقف نشد. در همه این سال‌ها هر چند کارشناسان محیط‌زیست و سلامت‌بازها درباره تأثیر مازوت‌سوزی بر سلامت شهروندان و افزایش ابتلای آنها به سرطان هشدار دادند، اما این موضوع به‌صورت رسمی و از زبان مقامات مسئول، چندان تأیید نشد؛ هرچند هرگاه، این موضوع میان حرف‌های بعضی از آنها سردرآورد. دی‌ماه پارسال بود که سیلوش آقاخانی، رئیس شبکه مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان مرکزی گفت که مطالعات متعددی در حوزه‌های مختلف، نقش آلاینده‌های عمومی و اختصاصی شهر اراک را بر سلامت شهروندان اراکی نشان داده است و کودکان به‌عنوان گروه‌های پرخطر، بیشترین تأثیرگذاری را از آلودگی هوا به‌ویژه در فرآیند رشد بدنی، سیستم عصبی و خون دارند و به‌نوعی قربانیان اصلی این آلودگی محسوب می‌شوند؛ «مجموعه دانشگاه علوم پزشکی نیز در سال‌های گذشته این رقم را در محاسبات آلودگی برآورد نکرده و کم‌کاری‌ای که رخ داده، باعث شده عدد و برآورد درستی در حوزه سلامت نسبت به تغییرات نداشته باشیم.»

▼ نقض حقوق اولیه شهروندان؟

از روزی که دستور قطع مازوت‌سوزی خبرساز شده، واکنش‌های بسیاری هم در این باره بین مردم از راه رسیده است؛ به‌ویژه پس از آن که گفته شد در بعضی شهرها از جمله تهران، قطعی برق در ساعات‌هایی از راه خواهد رسید. فاطمه، ۳۵ ساله و شهروند تهران به «هم‌میهن» می‌گوید که ما را بر سر دوراهی برای انتخاب حقوق

طبیعی مان قرار داده‌اند: «به‌منظرم خیلی طبیعی است اگر انتخاب کنیم، گاهی خاموشی داشته باشیم، جای اینکه باریسک اپتلا به سرطان، بیماری‌های تنفسی و جهش‌های ژنتیکی در کودکان مواجه شویم، اما سوال این است که آیا ما به‌درستی بر سر این دوراهی قرار گرفته‌ایم و آیا این گزینه‌ها در جهان امروز درست هستند؟ چه شد که به این نقطه رسیدیم؟ اگر دولت آقای پزشکیان ما را بر سر این دوراهی قرار داده چون نخواسته پوپولیست باشد و نمی‌خواهد با افتخار بگوید در دولت من قطعی برق نیفتاد و از آن طرف انواع آلاینده‌ها به خورد مردم داده شود، باید بگوییم خیلی هم خوب و دست دولت درد نکند. اما آیا این راه حل بلندمدت برای انتخاب بین دو گزینه که حق طبیعی ماست، درست است؟ یعنی انتخاب بین بر خورداری از انرژی برق و هوای پاک.» او می‌گوید که در کشور به این رویه‌های اشتباه عادت کرده‌اند و باید حواس‌مان باشد که به اشتباه بر سر این دوراهی قرار نگیریم؛ دوراهی‌ای که ناقض حقوق اولیه ماست.»

فرزانه، ۴۵ ساله هم که ساکن غرب تهران است و هنوز نتوانسته در یابد که خانه‌اش چه روزها و ساعت‌هایی خاموشی خواهد بود، می‌گوید که با خاموشی برق در مقابل به خطر افتادن سلامتی‌اش موافق است؛ البته حساب‌شده و برنامه‌ریزی شده: «نه اینکه فقط بیابانی باشد و نتیجه نداشته باشد. البته در کنارش فرهنگ صرفه‌جویی انرژی هم باید ترویج بشود یا حتی قیمت برق گرانت‌ر شود، ولی چون اعتماد میان مردم و دولت‌ها در ایران دچار خدشه شده، حتی مصرف انرژی هم با نوعی لجبازی همراه شده و فکر نمی‌کنیم که این انرژی محدود است؛ چون اعتماد نداریم و مطمئن نیستیم صرفه‌جویی به‌نفع خودمان است.»

▼ راه‌سومی نیست؟

تعدادی از روزنامه‌نگاران هم در صفحات شخصی خود در فضای مجازی نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند. از مهم‌ترین آنها نوشته حسن نمک‌دوست، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه است. او خطاب به روزنامه‌نگاران و کنشگران محیط‌زیست نوشته است: «آیا تأییدی فرمایید دلیل واقعی خاموشی‌های مطرح‌شده جلوگیری از سوزاندن مازوت و کاستن از آلودگی هواست؟ آیا دولت حاضر است رسماً اعلام کند از چه تاریخی نه سوزاندن مازوت خواهیم داشت، نه خاموشی بر اثر قطع مازوت؟ و البته متعهد گفته‌ی خود شود؟» در مقابل تعدادی از روزنامه‌نگاران هم واکنش‌های تندی داشتند. یکی از آنها مهدی افشارنیک، روزنامه‌نگار حوزه نفت و انرژی است. او نوشت: «طرح ممنوعیت مازوت‌سوزی از نظر تبلیغاتی شاید جالب باشد اما بدون نظر وزیر نفت و نیرو تدوین شده و شک نکنید دوباره برمی‌گردد، چون ۲۰ هزار مگاوات تولید برق کم می‌شود و به‌طور مساوی تقریباً باید روزی ۵ ساعت قطعی برق برای هر مشترک در نظر گرفت. به‌نظر توان دولت توان اداره این موضوع را دارد؟» پژمان موسوی، سردبیر مجله تجربه هم در این باره نوشته است: «واقعاً راه حل سومی نیست، یا باید بی‌برقی و خاموشی بکشیم یا از سم حاصل از سوختن مازوت در هوا بمریم؟ این چه رسم مملکت‌داری است؟ کشوری که از تولیدکنندگان اول نفت و گاز جهان است، کشوری که این همه محیط‌زیست‌اش را تخریب کرده تا سد بسازد و نیروگاه‌های برقی‌اش را کار بیاندازد؛ کشوری که این همه فرصت برای ساخت نیروگاه‌های سبز و تجدیدپذیر داشته، الان باید سر ما منت بگذارد که چون مازوت‌سوزی را در برخی نیروگاه‌ها ممنوع کرده‌یم شما هم باید بی‌برقی را تحمل کنید؟»

▼ آغاز خاموشی‌های منظم

امروز خاموشی‌های منظم در کشور آغاز می‌شود و دی‌روز جدول خاموشی شهرهای استان تهران منتشر شد که در آن نام بیشتر



معیب زیست

گزارشی از واکنش‌ها به توقف مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها

شهرهای اطراف استان تهران دیده می‌شود در نوبت‌های ۹ تا ۱۱ صبح، ۱۱ تا ۱۳، ۱۳ تا ۱۵ و ۱۵ تا ۱۷ برنامه‌ریزی شده بود. اعمال محدودیت‌ها در شهر تهران هم از همین امروز به‌صورت رسمی شروع می‌شود اما بدون جدول مشخص. مشترکان باید زمان قطع برق منطقه خودشان را از سامانه‌های «برق من»، فوریت‌های برق یا یک کد دستوری پیگیری کنند. اعلام قطعی‌ها در روزها به‌صورت متغیر است و زمان تقریبی خاموشی حدود دو ساعت خواهد بود. فعلاً درباره اعمال محدودیت برای صنایع تصمیم‌گیری نشده است.

▼ پایان راه بحران مازوت در شازند؟

نیروگاه شازند اراک به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان سوخت مازوت در میان نیروگاه‌های ایران، از دی‌روز مصرف مازوت را متوقف کرده است و حالا باید منتظر ماند و دید که این روند ادامه پیدا می‌کند یا خیر؟ بحران آلودگی هوا در این شهر باعث شد که پس از دستور توقف مازوت‌سوزی، مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در اراک فراخوانی دادند که در صورت متوقف نشدن مازوت‌سوزی در این نیروگاه، سه‌شنبه این هفته در مرکز شهر تجمع برگزار کنند. گروهش بختیاری، فعال محیط‌زیست اراک و از ساکنان این شهر است که از سال‌ها اعتراض به مازوت‌سوزی نیروگاه شازند می‌گوید. از هشت‌هفته اعتراض مستمر که سال گذشته انجام شد، از قول وزیر نیرو برای توقف مازوت‌سوزی و نام‌گذاری‌ها و ملاقات‌هایی که به‌نتیجه نرسید. او از یک نظرسنجی در شهر اراک می‌گوید که طبق آن بخش زیادی از مردم مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سلامت خود را نیروگاه شازند و مازوت‌سوزی آن می‌دانند: «اولویت مردم سلامت است. آمار بیماری‌های غیرواگیر و سرطان در استان مرکزی به‌خصوص اراک نسبت به شهرهای دیگر بالاتر است. چند هفته پیش همسری یکی از دوستانم که در تجمعات سال گذشته هم شرکت می‌کرد به‌دلیل ابتلا به سرطان فوت کرد؛ بیماری‌ای که مازوت‌سوزی از اصلی‌ترین دلایل آن است. در بخشی که او بستری بود، ۱۸ نفر دیگر هم بستری بودند که ۱۷ نفرشان به‌دلیل ابتلا به سرطان فوت کردند. این آمار هرروز در اراک اتفاق می‌افتد.»

وجود تالاب میقان در حاشیه‌شهر اراک به‌عنوان یکی از دلایل تولید گردوغبار در منطقه، کمبود شدید منابع آبی و آلودگی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، نبود محل مشخص برای دفن بهداشتی و اصولی پسماندهای صنعتی، وجود صنایع آلاینده با قدمت زیاد و فرسودگی بالا، بخشی دیگر از دلایل انتشار آلودگی در اراک است؛ بختیاری توضیح می‌دهد که تنها آلودگی اراک مربوط به مازوت‌سوزی در شازند نیست و پتروشیمی پالایشگاه و سوخت با کیفیت پایین هم در آن مؤثر است: «ما خودمان سوخت یورو ۴ تولید می‌کنیم و به شهرهای دیگر می‌فرستیم اما خودمان از آن بی‌بهره‌ایم. مازوت‌سوزی هم با گوگرد بالایی انجام می‌شود و باعث می‌شود تأثیرات منفی زیادی روی سلامت مردم داشته باشد. آمار بیماری‌های غیرواگیر در استان مرکزی و شهر اراک منتشر نمی‌شود و ممکن است به‌دلیل بالا بودن مرگ‌ومیر و بیماران زیاد امنیتی شده باشد. در حالی که این موضوع نیازمند شفاف‌سازی است و مردم باید بدانند که در چه شرایطی زندگی می‌کنند. استفاده از مازوت در شازند سال ۱۳۹۲ متوقف شد و در نهایت دوباره در سال ۹۸ آغاز شد؛ این بار با سوزاندن روزانه دو میلیون لیتر مازوت. این فعال محیط‌زیست توضیح می‌دهد، در سال‌های بعد هم مدت زمان استفاده از این سوخت در نیروگاه شازند بیشتر شد و میزان مصرف آن به روزانه هفت میلیون لیتر رسید: «در مجموع یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون لیتر مازوت در این بازه زمانی مصرف شده که درصد گوگرد بسیار بالایی هم دارد؛ یعنی آلوده‌ترین مازوتی که ممکن بود در نیروگاه شازند سوزانده شود.»

ممنوعیت مازوت‌سوزی نیروگاه شازند امسال در کمیته‌ملی آلودگی هوا تصویب شد؛ اتفاقی که پیش از این سابقه نداشته و بختیاری علت